

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چطور در سختی ها شجاعانه بدرخشیم؟

(ترجمه)



شجاعت یکی از ویژه گی های خاص یک مسلمان است که برای از سرگیری زنده گی اسلامی مبارزه کند، اگر وی حامی خلافت باشد یا افسر صادق اردو، اما مسلمانان را نصرت داده تا خلافت را بر منهج نبوت دوباره تأسیس نماید که در آن صورت خلافت، نشانه استحکام و اعاده عزت امت مربوط آن می شود. شجاعت صفت آن هاست که قوی بوده و از هیچ وضعیتی و مردمی هراس ندارند. صفت کسانی است که نه ضعیف هستند نه ناتوان، نه ترس از دادن سرمایه یا قطع شدن عضوی بدن و حتی زنده گی شان را دارند. از ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ اِحْرَصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ فَإِنَّ أَصَابِكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ قَدَرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ "لَوْ" تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ»

ترجمه: مومن قوی محبوب تر است نزدی الله سبحانه و تعالی از مومن ضعیف کرده، در حالی که هر دوی شان خوب هستند، و برای چیزی مبارزه نمایند که برای تان سود داشته باشد و از الله سبحانه و تعالی کمک طلب نمایند و هرگز ناامید نشوید. اگر هرچه بالای شما واقع شود این را نگوئید که اگر من این و آن را کرده بودم. الله سبحانه و تعالی هر چه حکم نماید و خواسته باشد، همان می شود. با این گفته ها راه برای عملی شیطانی باز می شود.

این آشکار است که مسلمانان برای حالت فعلی امت بسیار عمگین هستند؛ مگر از نبود شجاعت آن ها توان تحمل سختی های بسیار را برای بهبود این حالت ندارند؛ پس آن ها به تأسف خوردن حالت امت ادامه داده و هیچ کار اساسی را که نیاز است انجام نمی دهند. در حالی که مسلمانان شجاع هر نوع مشکلات را با خوشی و چهره ی خندان پذیرا می باشند، زمانی که متوجه امت می شود که در یک چهارراهی بحران قرار دارد. آن ها قوی بوده و در مقابل هر نوع مشکلات این وظایف را انجام می دهند و همه مربوط الله سبحانه و تعالی است تا باشد که بعد از تلاش های زیاد چی وقت یک راه حلی را ان شاء الله دریافت نمایند و از کارهایی روزمره ی شان ناامید و ناراحت نشده و نقشه طرح می کنند، راه را به سختی ها طی می کنند و جسورانه در راه طولانی و پر خطر سفر می نمایند، استوار ادامه می دهند و برای ثابت کردنش تلاش و مبارزه می کنند تا آن ها یک وسیله ی خوب برای تغییر باشند؛ پس آن ها بسیار زود به هدف شان خواهند رسید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم یک مثال خوب برای بشریت با صفت های نجیب و بسیار خوب اش، با شجاعتی که در خالص ترین نوع اش در عمل و گفتار وی بود، می باشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم مثال خوب برای حامیان خلافتی که امروز با حکام ظالم شدیداً در مبارزه هستند، می باشد. وی صلی الله علیه وسلم شجاعانه مردم را در محضر عام و با سران قوم و افراد با نفوذ در خصوصی با آن ها تماس برقرار می کرد و آن ها را دعوت می نمودند. با وجود آن که این کارش نتیجه ی بسیار سختی در قبال داشت. از ابن جیبیان و ابن خوزایمان به نقل از طارق الحراب روایت است:

ترجمه: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را در حالی که جامه ی سرخ به تن داشت، در بازار زیل مجاز دیدم که آن جا به مردم می گفت: «ای مردم بگویند که هیچ معبود جز الله سبحانه و تعالی نیست و شما راستکار خواهید شد.» در آن هنگام مردی که وی صلی الله علیه وسلم را تعقیب می نمود، توسط سنگ بالای وی صلی الله علیه وسلم حمله نمود تا از زانو و پای مبارک شان خون جاری شد. آن مرد به مردم می گفت: ای مردم به او گوش ندهید، دروغ می گوید. من پرسیدم که این شخص کی است؟ گفتند جوانی از قبیله ابوطالب. باز پرسیدم آن شخصی که وی را تعقیب می کند کی است؟ گفتند ابوالزاه- ابولهب-.

حاکم در المستدرک روایت می کند که اسنادش موثق است، مطابق وضعیت مسلمانان نویسنده کتاب "النجم" موافق است که انس می فرماید:

ترجمه: آن ها تا حدی رسول الله صلی الله علیه وسلم را لت و کوب نمودند که وی صلی الله علیه وسلم ضعف نمود تا حضرت ابوبکر رضی الله عنه آمد و گفت: هلاک شوید، شما کسی را می خواهید بکشید که تنها می گوید خالق من الله سبحانه و تعالی است. آن ها گفتند که این شخص کی است؟ جواب دادند که این پسر ابو قحافه است، مردی دیوانه.

مثال بهتر برای حامیان خلافت، شجاعت و تلاش آرام و خون سردی رسول الله صلی الله علیه وسلم است؛ حتی تا جایی که مشرکین تصمیم گرفتند که وی صلی الله علیه وسلم را به شهادت برسانند که همه ی این تلاش ها ناکام و پیروزی از آن اسلام گردید. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

(وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينِ)

[توبه: ۳۰]

ترجمه: و (به یاد داشته باش) وقتی که کافران علیه تو نقشه طرح نموده بودند، برای زندانی کردن تو یا کشتن تو یا برای خارج کردن تو (از خانه ات، مکه) نقشه طرح می کردند، و الله سبحانه و تعالی هم چنان نقشه طرح نمود و الله سبحانه و تعالی بهترین طراحان است.

مشرکین قریش نقشه طرح نمودند، جوانانی را از تمام قبایل قریش انتخاب نمودند تا رسول الله صلی الله علیه وسلم را به شهادت برسانند، در آن صورت قبیله بنی هاشم نمی تواند که با تمام قبایل دشمنی نماید و آن ها را وادار به قبول نمودن خون بهایی می نمایم آن ها آرام می شوند و مقام خود را به خطر نمی اندازند. با وجود این که این یک وضعیت خطرناک بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم راحت و شجاعانه قدم مستحکم را برای حاکم نمودن اسلام در مدینه برداشته بود و از انصار نصرت را قبلاً به دست آورده بود. حضرت جبرئیل علیه السلام آمد و رسول الله صلی الله علیه وسلم را از نقشه آن ها باخبر نمود و برایش امر نمود که در رخت خواب خود ن خوابد. رسول الله صلی الله علیه وسلم آن شب در خانه خود ن خوابید و الله سبحانه و تعالی برایش اجازه هجرت را به سوی مدینه داد و رسول الله صلی الله علیه وسلم این کار را بسیار با خون سردی و ماهرانه انجام داد. در جریان هجرت تقریباً کفار آن ها را گرفتار نموده بود؛ اما شجاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم آشکار است. چنان چه حضرت ابوبکر رضی الله عنه می فرماید:

«قُلْتُ قَدْ أَنْ الرَّحِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ «بَلَى» «فَارْتَحَلْنَا وَالْقَوْمُ يَطْلُبُونَا، فَلَمْ يُدْرِكْنَا أَحَدٌ مِنْهُمْ غَيْرُ سُرَاقَةَ بْنِ مَالِكِ بْنِ جُعْشَمٍ عَلَى فَرَسٍ لَهُ. فَقُلْتُ هَذَا الطَّلَبُ قَدْ لَحِقَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

ترجمه: من گفتم حالا وقت رفتن است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بلی، پس ما از میان مردم بیرون رفتیم، مشرکین قریش در جستجوی ما بودند، مگر هیچ یکی از آن ها نتوانستند ما را دریابند، جز سراقه بن مالک بن جعشم، کسی که بالای اسب خود سوار بود. من گفتم: آن ها کسانی هستند که ما را تعقیب می کنند و ما را دریافتند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: اندوهگین مشو؛ چون الله سبحانه و تعالی با ماست.

بعد از تأسیس دولت اسلامی از اولین مسوولیت رسول الله صلی الله علیه وسلم با شجاعتش کاهش ترس میان مسلمانان بود. انس رضی الله عنه راجع به رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند:

«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ النَّاسِ وَأَجْوَدَ النَّاسِ وَأَشَجَعَ النَّاسِ، وَلَقَدْ فَرَعَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ دَاتَ لَيْلَةٍ فَاَنْطَقَ النَّاسُ قِبَلَ الصَّوْتِ، فَاسْتَقْبَلَهُمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ سَبَقَ النَّاسَ إِلَى الصَّوْتِ وَهُوَ يَقُولُ «لَنْ تُرَاعُوا، لَنْ تُرَاعُوا»»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما بهترین بود (هم در سیرت و هم در صورت) میان ما شجاع ترین و دلیرترین بود. یک بار در یک شب مردم مدینه از صدایی ترسیده بودند، مردم همه به سوی صدا رفتند، در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از همه آن جا رفته بود و به مردم می گفت: نترسید، نترسید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم بهترین مثال برای افسران صادق است، قسمی که آرزو می کنند؛ در حالی که حکام ظالم برای ترس از دست دادن حاکمیت ظالمانه ی شان به آن ها رشوه می دهند تا در مقابل آن ها قیام ننمایند. رسول الله صلی الله علیه وسلم شجاع بود؛ حتی زمانی که شمشیر کفار وی صلی الله علیه وسلم را هدف قرار داده بود و وی صلی الله علیه وسلم خلع سلاح بود. از جمع صحابه رضی الله عنهم اجمعین روایت است که:

«كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِدَاتِ الرَّقَاعِ، فَإِذَا أَتَيْنَا عَلَى شَجَرَةٍ ظَلِيلَةٍ تَرَكَنَاهَا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَسَيْفُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعَلَّقٌ بِالشَّجَرَةِ فَأَخْطَرْتُهُ فَقَالَ تَخَافُنِي قَالَ "لَا" قَالَ فَمَنْ يَمْنَعُكَ مِنِّي قَالَ "اللَّهُ" فَتَهَدَّدَهُ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

(رواه بخاری)

ترجمه: ما همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم در جنگ رقاع همراه بودیم و به سایه یک درخت رسیدیم و آن جا را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم آماده نمودیم تا وی صلی الله علیه وسلم در آن جا استراحت نماید، هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم خوابیده بود و شمشیرش در درخت آویزان بود، یکی از تعقیب کننده گان شمشیرش را از غلاف کشیده و به رسول الله گفت: های از من نمی ترسی؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: نخیر، آن شخص گفت: تو را از من که محافظت می کنند؟ رسول الله فرمود: الله سبحانه و تعالی.

شرح این توسط جابر رضی الله عنه در ریاض صالحین آمده است، این شجاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم باعث شد که آن مشرک شمشیرش را به زمین بیندازد. به افسران بلند رتبه و جنرالانی که به بالا بودن سن و سال خود ایراد می گیرند، برای شان یک مثال از رسول الله صلی الله علیه وسلم را می دهیم، در جنگ حنین که رسول الله صلی الله علیه وسلم سن مبارک شان بالاتر از ۶۰ بود اشتراک ورزیده بودند. هم چنان روایت است که:

«فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبُو سَفْيَانَ بْنِ الْحَارِثِ يَقُودُ بِهِ بَعْلَتَهُ فَنَزَلَ وَدَعَا وَاسْتَنْصَرَ وَهُوَ يَقُولُ «أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ اللَّهُمَّ نَزِّلْ نَصْرَكَ». قَالَ الْبِرَاءُ كُنَّا وَاللَّهِ إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ نَنَقِي بِهِ وَإِنَّ الشُّجَاعَ مِنَّا لِلَّذِي يُحَادِي بِهِ يَعْنِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

(رواه مسلم)

ترجمه: مردم به طرف رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند، در حالی که قاطر وی را ابوسفیان هدایت می کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم از قاطر پایین آمده و طلب کمک از الله سبحانه و تعالی شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: من پیامبر هستم، این یک حقیقت است، من پسر عبد المطلب هستم، یا الله نصرتت را برای ما بفرست. البراء ادامه داد: هنگامی که جنگ شدت گرفت، قسم به الله سبحانه و تعالی ما همه خود را توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم محافظت می کردیم. وی شجاع ترین شخص بین ما بود و کسی که در مقابل آن یورش شدید مقابله نمود، رسول الله صلی الله علیه وسلم بود.

شما ای حامیان خلافت و افسران صادق اردو! رسول الله صلی الله علیه وسلم یگانه مثال و بهترین الگو برای ما در دنیا است و بهترین محبوب کمک کننده که تا آخر در جستجویش می باشیم. باید توجه کنیم، کسانی که شجاع بودند، حالا می ترسند و خود را از دست دادند. بیایید مطمئن شویم، کسانی که ترسو بودند، شاید حالا شجاعت خود را دریافته باشند. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا مِنْ أَهْلِ النَّارِ، وَإِنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَيَعْمَلُ عَمَلًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، وَإِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالْخَوَاتِيمِ»

(رواه بخاری)

ترجمه: مردی شاید اعمال دوزخیان را انجام دهد؛ در حالی که در حقیقت وی از جنتیان است، مردی اعمال جنتیان را انجام دهد حالان که وی از اهل دوزخ می باشد. در حقیقت پاداش تمام اعمال ما از عمل آخر ما داده می شود.

برادران شجاع! شجاعانه بریزید که وقت شما نزدیک است.

نویسنده گان: مسعود و میر

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱۱ رمضان ۱۴۳۸ هـ.ق

۸ مارچ ۲۰۱۷ م